

تبیین راز سلوک از «عبودیت» به «ربوبیت»*

عباس فنی اصل^۱

چکیده

ناباوری به هدفمندی خلقت و نداشتن شناخت از هدف واقعی آن، موجب بی‌معنایی زندگی انسان شده و به سردرگمی و احساس پوچی و بی‌ارزشی در او می‌انجامد. مواجهه با اهداف بسیار متعدد و متفاوت معرفی شده در طول تاریخ، عامل دیگر حیرت و سردرگمی بوده و انسان را از رسیدن به هدف واقعی خلقت باز می‌دارد. دستیابی به اساسی‌ترین هدف خلقت، تبیین صحیح و دقیق و بیان مراحل و شرایط لازم برای وصول به آن، به زندگی معنا بخشیده و آرامش واقعی را به انسان ارزانی می‌دارد.

در آیه ۵۶ سوره ذاریات به صورت انحصاری، «یعبدون» به عنوان هدف اساسی خلقت انس و جن معرفی شده است. تبیین مقصود واقعی از عبارت «یعبدون» و تبیین شرایط و ضوابط لازم برای وصول به این مقام، انسان را به هدف واقعی خلقت نائل می‌کند. قرار گرفتن در مسیر عبودیت الهی و پیمودن صحیح مراحل کمالی آن با تلاش مستمر علمی و عملی، زندگی انسانی را با معنویت قدسی عجین کرده و تعالی معنوی آن را در پی دارد. کسب کمالات معنوی و فضایل اخلاقی و تلاش برای تقرب الهی موجب رسیدن به بالاترین مقام بشری؛ یعنی «عبودیت مطلقه» و «نفس مطمئنه» شده و با قرار دادن انسان در مسیر محبت الهی او را به مقام عالی «ربوبیت» نائل می‌کند که از آن با عنوان «ولایت تکوینی» یاد

* رسیدن به مقام ربوبیت هرگز به معنای تبدیل شدن سالک به خدا نیست؛ چراکه چنین باوری هرگز در

تعبییرات ائمه علیهم‌السلام نیامده و با تعالیم اصیل اسلامی سازگاری ندارد (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸۶/۶).

a_fanniasl@uma.ac.ir

۱. استادیار معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی.

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

می‌شود. سالک به سبب وصول به این مقام، که بالاترین شرف انسانی است، متصف به صفات الهی شده و با تداوم سیر تکاملی، قدرت تصرف در عالم تکوین را به دست می‌آورد.

کلید واژه‌ها: عبودیت، ربوبیت، معنویت قدسی، هدف غایی، انسان کامل.

مقدمه

نداشتن باور به هدفمندی خلقت عالم و تصادفی پنداشتن آن، موجب بی‌معنایی حیات شده و با سوق داده شدن بشر به سوی تحیر و سردرگمی، به احساس پوچی و بیهودگی در او می‌انجامد. قرآن کریم باور به هدفمندی آفرینش را امری روشن و بدیهی دانسته و در تبیین این باور بیان می‌دارد: صاحبان خرد با تفکر در آفرینش آسمان و زمین به هدفمندی آن‌ها اعتراف کرده و باطل بودن آفرینش را مردود می‌شمارند.^۱ باطل بودن آفرینش انسان به عنوان اشرف مخلوقات نیز در آیات متعدد قرآنی مردود شمرده شده^۲ و با تأکید بر هدفمندی این خلقت، موارد متعددی به عنوان هدف آفرینش معرفی شده است.^۳ از این میان، هدف معرفی شده در آیه ۵۶ سوره ذاریات؛ «یعبدون»،^۴ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به صورت انحصاری به عنوان تنها هدف اساسی خلقت دانسته شده است. این برداشت از آیه یادشده مورد قبول بسیاری از مفسران مسلمان واقع شده؛ چنان‌که اندیشمندان بزرگ معاصری همچون علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۵۸۰) مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۳۸۴) و جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲ / ۴۰۳) با اطمینان خاطر «یعبدون» را به عنوان تنها غرض اصلی و هدف غایی

۱. و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که]: پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزه‌ی تو! (آل عمران / ۱۹۱).

۲. آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟ (مؤمنون / ۱۱۵).

۳. آزمایش و ابتلا (ملک / ۲)، دستیابی به عمل صالح (هود / ۷)، رسیدن به علم توحید (طلاق / ۱۲)، عبادت خدا (ذاریات / ۵۶)، رسیدن به رحمت الهی (هود / ۱۱۹)، شکر و سپاسگزاری (نحل / ۷۸)، بند و عبرت‌گیری (ذاریات / ۴۹) و تعقل و خردورزی (غافر / ۶۷).

۴. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».

خلقت انسان معرفی کرده‌اند. تعیین دقیق هدف نهایی خلقت انسان، تبیین مقصود واقعی از آن و توصیف مقدمات و شرایط لازم برای وصول به این هدف، به گونه‌ای که به بالاترین شرف انسانی؛ یعنی عبودیت بینجامد، از مباحث بسیار مهم و اساسی‌ای است که تأثیر جدی در معناداری زندگی بشری و عجین شدن آن با معنویت قدسی^۱ دارد.

در تبیین مقصود از عبارت «عبودن»، هرچند به معانی متعددی اشاره شده، دو معنای «عبادت» و «عبودیت» بیشتر از دیگر معانی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است؛ چراکه این معانی با سیاق آیه نیز سازگاری بیشتری دارند. این دو معنای برگزیده ریشه اشتقاقی واحد و اشتراکات بسیاری دارند؛ چندان که گاهی این دو به یک معنا به کار برده شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۷۴). با وجود این باید گفت که دو عبارت «عبودیت» و «عبادت» در عین داشتن مضارع یکسان و بیان هر دو با ضمّ عین الفعل، ماضی متفاوت داشته و تفاوت مهمی با یکدیگر دارند؛ چراکه ماضی «عبادت» با فتح عین و ماضی «عبودیت» با ضمّ عین بیان می‌شود (کاشفی سبزواری، بی تا: ۶۵۸) و لازمه این امر تفاوت معناست؛ چنان‌که صاحب عبادت به معنای «عابد مطیع» و صاحب

۱. انسان تنها موجود مختار برخوردار از زندگی مادی و معنوی است. به‌رغم ادعای خداناباوران، بیشتر صاحب‌نظران نیاز به معنویت را از نیازهای اساسی بشری می‌دانند که در همه اعصار مطرح بوده است؛ چنان‌که ظهور عرفان‌های کاذب در دهه‌های اخیر نشان‌دهنده روی‌آوری دوباره بشر به این امر است. تعاریف بسیار متعدد و متفاوتی برای معنویت ارائه شده است: بیشتر غربی‌ها معنویت را به‌عنوان عنصری شخصی در مقابل دین در نظر گرفته‌اند؛ حال آنکه اندیشمندان مسلمان آن را وحی محور و مبتنی بر دین فطری دانسته‌اند (نوبری، ۱۳۹۷: ۶۸) که «لُبُّ لُبَابِ دین» یا «گوهرادیان» بوده و از آن با عنوان معنویت قدسی یاد کرده‌اند. از نظر آنان معنویت قدسی از سه ویژگی: دینی بودن، خدامحوری و عقلانیت برخوردار است (فنائی، ۱۳۸۸: کتابخانه مجازی الفبا). بنابراین معنویت قدسی گوهرادیان ابراهیمی است که در تعریف آن گفته شده: معنویت قدسی احساس حضور معنا در خود و ظهور آن در رفتار بوده که مترتب بر شناخت صحیح از هستی، مبدأ شکل‌گیری آن، منتهای نظام آفرینش، نیروهای ناپیدای فعال در نظم بخشی و جریان بخشی به سنت‌های مندرج در متن آفرینش است (نوبری، ۱۳۹۶: ۴۷).

عبودیت به معنای «عبد فرمان بر» است (بروجردی، ۱۴۱۶: ۳/ ۴۸۴).

درباره رابطه عبادت و عبودیت می‌توان گفت که هرچند عبادت به معنای خاص آن با عبودیت مرتبط بوده و راهیابی به مقام عبودیت به عبادت وابسته است، حقیقت این است که «عبودیت» معنایی بالاتراز «عبادت» دارد؛ چراکه عبادت به معنای مناسک و شعائر نه تنها تمام وجود انسان و ابعاد حیات او را دربر نمی‌گیرد، بلکه بخش کمی از آن را شامل می‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۱/ ۲۲۶). از این رو عبادت نمی‌تواند به عنوان هدف خلقت انس و جن مطرح شود؛ چراکه هدف نهایی خلقت، گسترده‌تر و جامع‌تر از انجام مناسک است و نمی‌تواند به این مراسم ظاهری محدود شود (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶/ ۳۳۸۸). بر این اساس بیشتر مفسران عبودیت را هدف واقعی خلقت معرفی می‌کنند که به عنوان مکتب در نظر گرفته شده و جامع تمامی خیرات است. این مکتب مقامات و درجات کمالی بسیاری دارد؛ چنان‌که سالک می‌تواند با تلاش‌های مستمر معرفتی و عملی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۳/ ۳۶۸) آن‌ها را طی کرده و به بالاترین مرحله کمال یعنی «عبودیت مطلقه» نائل شود که از آن با عنوان «نفس مطمئنه» یاد می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/ ۴۷۸). این نفس تکامل یافته به علت تبدیل شدن به مظهر عبودیت تامه مورد محبت ویژه الهی قرار گرفته و پاداش وصول به مقام والای «ربوبیت» را دریافت می‌کند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/ ۵۲)؛ چراکه «عبودیت گوهری است که ظاهر آن عبودیت و کنه و نهایت و باطنش ربوبیت است»^۱ (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ۷).

سلوک صحیح مراحل و مدارج کمالاتی «عبودیت» به گونه‌ای که به غرض نهایی و واقعی؛ یعنی «ربوبیت» بینجامد، ویژگی‌ها و شرایط خاصی را طلب می‌کند که مقاله حاضر در تبیین آن می‌کوشد.

۱ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ فَمَا فَقَدَ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ وَجَدَ فِي الرُّبُوبِيَّةِ وَمَا خَفِيَ عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فِي الْعُبُودِيَّةِ. از این حدیث در مقاله حاضر با عنوان حدیث ربوبیت یاد شده است.

۱. معنای «عبودیت» و «ربوبیت»

عبودیت از ریشه «عبد» و شایع‌ترین معنای لغوی آن ذلت و خواری است^۱ (طبری، ۱۴۱۲: ۱/ ۵۳؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴/ ۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳/ ۲۷۱). این عبارت به دو شکل جمع بسته می‌شود: «عبید» به معنای بردگی بوده و «عباد» به کسانی اشاره دارد که به اختیار خود خدا را بندگی می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۳۱). تفاوت این دو جمع در این است که «عبید» دربارهٔ بردگی مردم نیز به کار می‌رود؛ ولی منظور از «عباد» فقط بندگی خداست (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۸۹). تعریف شایع اصطلاحی عبودیت عبارت است از تذلل و تعبد و اطاعت و پیروی در تمامی آنچه خدا می‌خواهد و امر و نهی می‌کند؛ به گونه‌ای که تمامی اعمال، اقوال، احوال، برنامه‌های امور و ظاهر و باطن فرد بر طبق حکم الهی و مطابق اقتضای وظیفه عبودیت می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵/ ۲۸۵).

واژه «ربوبیت» از «رب» است که در لغت به معنای مالک، سیّد، مدبّر، مربّی، قیم و منعم به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱/ ۳۹۹). در دیدگاهی، «ربوبیت» و «تربیت» هم‌ریشه بوده و از «رَبَبَ» گرفته شده‌اند (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۶). بر اساس دیدگاهی دیگر، ریشه این دو متفاوت است؛ چراکه ریشهٔ تربیت «رَبَّوْ» است و نه «رَبَبَ». کلمهٔ «رب» اگر به صورت غیرمضاف و مطلق به کار برده شود، به معنای رب‌الارباب خواهد بود که فقط دربارهٔ خدا کاربرد دارد و اگر کاربرد آن به صورت مضاف و مقید باشد، بر غیر خدا نیز قابل اطلاق است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱/ ۳۹۹)؛ مانند رب‌الدار و رب‌السفینه. کلمهٔ «رب»

۱. لازم به ذکر است که معنا کردن «عبودیت» به ذلت و خواری مورد قبول بعضی از اهل لغت واقع نشده و ایشان معتقدند که این معنا با قواعد عربی مطابقت ندارد؛ زیرا عبادت بدون حرف جرّ، متعدّی می‌شود؛ مانند آیهٔ کریمه: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم / ۹۳)؛ ولی اشتقاق مادهٔ خضوع به وسیلهٔ حرف لام تعدیه می‌شود؛ مانند: «وَحَصَّعَتْ لَهُ الرِّقَابُ» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۴). بنابراین چنین گفته می‌شود که خضوع و خواری از لوازم عبودیت است و نه معنای لغوی آن. معنای واقعی عبودیت در این دیدگاه عبارت است از شایسته بودن چیزی برای بهره‌برداری (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴/ ۷۱).

اگر به همراه الف و لام بیاید، فقط درباره خدا کاربرد خواهد داشت؛ ولی بدون آن درباره غیر خدا نیز به کار برده می‌شود؛ چنان‌که در کاربرد قرآنی این عبارت آمده است: ﴿إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ﴾ (یوسف / ۲۳) که در اینجا «رب» به معنای تربیت است و نه معبود (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۸۱). از این رو گفته شده است که کلمه «رب» به معنای مالک مصلح بوده و فقط درباره خدا صادق است و قابل اطلاق به مالکی دیگر نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۰ / ۴۹۳). «رُبوبیت» از صفات فعل الهی است که به معنای تدبیر و اداره امور جهان است و با خالقیت تلازم دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۳۵)؛ به این معنا که خداوند در عین خالق عالم بودن، رب مخلوقات نیز هست. از این رو اندیشمندان مسلمان در تعریف اصطلاحی ربوبیت گفته‌اند: ربوبیت عبارت است از تربیت و تدبیر مخلوقات در مراحل زندگی تا هریک از آن‌ها به درجه کمال وجودی خود برسند (عسکری، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۴۹).

۲. عبودیت حقیقی

عبودیت در یک تقسیم‌بندی به تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود. عبودیت تکوینی عبارت از تذللی برحسب تکوین بوده و امری غیراختیاری است که گاهی از آن با عنوان «عبودیت ربوبیت الهی» نیز یاد می‌شود و همه بشر، اعم از مسلم و کافر و نیکوکار و بدکار در آن مشترک‌اند. عبودیت تشریحی نیز عبارت از تذلل برحسب دستور شریعت و به اقتضای تعقل و تفکر است و اختیاری همچنین از عبودیت تشریحی با عنوان «عبودیت الوهیت و عبادت و رحمت الهی» یاد می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۸ / ۱۳؛ آل سعدی، ۱۴۰۸: ۶۹۴). عبودیت الوهیت به نوبه خود به دو قسم تقسیم می‌شود: عبودیت اکتسابی که اختصاص به دانشجویان مکتب قرآن دارد و عبودیت اصلی که موهبتی ذاتی است و به رسولان و پیامبران و اوصیا اختصاص دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴ / ۲۳).
عبودیت ربوبیت و عبودیت الوهیت نه تنها تضاد و تعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه تطابق آن‌ها موجب تحقق عبودیت حقیقی می‌شود که یگانه عامل امتیاز افراد بشر است.

یکدیگر است (همو، ۱ / ۳۷۶). از این رو مهم‌ترین وظیفه عبد این است که نخست دلش را به معرفت ربوبیت و سپس به معرفت عبودیت نورانی کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۲۹) تا در سایه این نورانیت، توفیق وصول به عبودیت حقیقی را کسب کند. وصول به عبودیت حقیقی نیز رسیدن به درجه‌ای از معرفت و خلوص قلبی و درجه وجودی است که در آن مرتبه، شخص هیچ اعتباری برای خود و دیگر مخلوقات قائل نیست، جز خدا هیچ نمی‌بیند و همه موجودات و از جمله خود را بند به اراده خدا می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۳۸۸). نفس عبد نائل شده به چنین مقامی در نور الهی فانی شده و اراده و مشیت او به اراده و مشیت الهی تبدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که حضور الهی را در تمام زندگی احساس می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰ / ۱۱۶)؛ چراکه معنویت قدسی در تمامی زندگی او جاری شده است. در سایه این کمال، عبد از عبودیت ماسوا و هرگونه خواست مخالف امرونی الهی در امان است و با انتخاب رضایت الهی از خشم او دور می‌شود (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰: ۴۱۴) و در نتیجه، جامع کمالات انسانی شده و در آخرت از صالحین به شمار می‌آید (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۴). بنابراین می‌توان گفت: عبودیت حقیقی همان مرتبه انسان کامل است که برزخی است میان غیب و شهادت (قونوی، ۱۳۸۱: ۱۱۳) و از آن با عنوان حقیقت نبوت و تقوای باطنی حقیقی نیز یاد می‌شود (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶ / ۲۰۷) و برترین شرف انسانی به شمار می‌آید.

۳. مراتب عبودیت

از دیدگاه قرآن کریم، مقامات معنوی انسان امری تشکیکی و ذومراتب است^۱ که دامنه این مراتب معنوی قدسی از اخلاق توحیدمدارانه آغاز شده و تا مقام انسان کامل ادامه می‌یابد (نوبری، ۱۳۹۶: ۱۹۳). اندیشمندان مسلمان نیز با استناد به تعالیم قرآنی، با اقرار به

۱. «أَوْلَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ آن‌ها مؤمنان حقیقی هستند که برایشان مراتبی در نزد پروردگارشان و آمرزش و روزی ارزشمند می‌باشد (انفال / ۴).

مراتبی بودن عبودیت، این مراتب و درجات را امری تکاملی دانسته‌اند که نهایت آن به ایصال سالک به مقام انسان کامل می‌انجامد. در این دیدگاه، استغفار نبی اکرم ﷺ دلیل روشنی بر ذومراتب بودن عبودیت است: «گاه قلبم را غباری می‌گیرد و من روزی هفتاد مرتبه از درگاه خدا آمرزش می‌طلبم».^۱ در تبیین دلالت این حدیث بر مراتبی بودن عبودیت، چنین بیان شده است: «استغفار نبی اکرم ﷺ اثبات‌کننده ذومراتب بودن عبودیت است؛ چراکه هرگاه از مقامی به مقام برتر عبودیت ترقی می‌کرد، مقام اول را حقیر دیده و از آن استغفار می‌کردند» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۷/ ۱۱۴).

اندیشمندان مسلمان به رغم اتفاق در باور به مراتبی بودن سلوک عبودی، در تبیین تعداد این مراتب و نام‌گذاری دچار اختلاف نظر شده و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. از دقت در این تقسیم‌بندی‌ها معلوم می‌شود که این مراتب همه بر آیات قرآنی مبتنی بوده و تفاوت میان آن‌ها از نوع تفاوت تشکیکی است و نه تضادی و تعارضی. از سوی دیگر در تمامی تقسیمات ارائه شده، مراحل و مراتب سلوکی محدود است و برای این سیر معنوی قدسی ابتدا و انتهای در نظر گرفته شده است؛ چنان‌که سالک با طی مدارج اولیه عبودیتی تکامل یافته و مرحله به مرحله به شایستگی‌هایی دست پیدا می‌کند و در نهایت به کمال نهایی واصل می‌شود. بنابراین ترقی و تعالی سالک در طی مدارج کمالی معنوی، ارزش عبودیتی او را افزایش داده و با تداوم این سیر، سالک به مرحله پایانی و کمال نهایی می‌رسد که این مرحله نهایی و مقام انتهایی عبودیتی نیز مبدئی می‌شود برای آغاز مرحله مهم‌تر و شریف‌تر دیگری؛ یعنی مقام نبوت و ربوبیت (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱۶/ ۲۶۶). از آخرین مرحله سیر عبودی سالک؛ یعنی «کمال و تمام عبودیت» با عنوان‌ها و اصطلاحات متعددی یاد شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

مقام فنا: سالک در سیر خود، پس از گذشتن از مراحل طاعات و عبادات و تهذیب

۱. ابن اَبی جُمهور فی دَررِ اللّٰلی، عَن رَسولِ اللّٰهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّهُ لَيَعَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً (نوری، ۱۴۰۸: ۵/ ۳۲۰).

صفات، خویش را کاملاً مغلوب و مقهور و فانی دیده و حتی نیتی و یا عملی به عنوان نفس خود و انانیت انجام نمی دهد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۵۰) و در حقیقت به توحید شهودی یا تحقیقی می رسد. در چنین حالی، اگر به مقام جذب مطلق و فنای محض برسد، نه تنها دیگر توحیدی در آنجا نمودی ندارد، بلکه وی عین توحید و محو خدا می شود. این مقام به عنوان آخرین مقامات عبودیت سالک و ابتدای مقامات ربوبیت اوست (گنابادی، ۱۳۷۲: ۲/ ۴۵۲)؛ چنان که با رسیدن سالک بدان، کمال نهایی عبودیتی وی تحقق می یابد.

مقام فقر: ملاصدرا از آخرین مرحله سیر عبودیتی با عنوان مقام فقریاد کرده و بیان می دارد: کمال اتم عبودیت رسیدن به مقام فقر است. به میزانی که سالک بتواند خود را از زنجیرهای جزئی رها کرده و از صورت خاص خود منخلع شود، شایسته کمال کامل تر و کلی تر و تصویر وجودی جامع و کامل می شود (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۱/ ۹) که از آن با عنوان مقام فقریاد می شود.

مقام امامت: برخی از مقام نهایی کمالات انسانی با عنوان مقام امامت یاد کرده و معتقدند که انسان در مرحله اول سیر کمالی خود به مقام عبودیت می رسد و با ادامه یافتن این سیر به تدریج به طریق الی الله وارد شده و به سیر و سلوک می پردازد. در این مرحله است که از انانیت و عبودیت نفس خود خارج شده و عبد خالص الهی می شود و با ادامه یافتن تکامل، سرانجام به مقام امامت می رسد؛ مقامی که آخر تمامی مراتب کمالات انسانی است (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۴۴). بنابراین سالک با تکامل تدریجی خویش مقام های نبوت، رسالت و خلت را طی کرده و سرانجام به آخرین مرتبه تمامی کمالات انسانی؛ یعنی مقام امامت نائل می شود (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۰).

مقام حضور اسما و صفات الهی: در دیدگاهی دیگر، آخرین مرحله کمال و عبودیت عبارت از کسب معرفت کامل و شناخت صد در صد شهودی به حقایق صفات جلال و جمال الهی است که برای خلیفه خدا حاصل می شود. عبودیت سالک پس از وصول به این مرحله تمام شده و با فانی شدن از افعال و صفات و ذات، به صفت ربوبیت متصف

می شود (گنابادی، ۱۳۷۲: ۶ / ۲۶۶) که از این مرحله تکاملی با عنوان مقام حضور اسما و صفات یاد می شود.

مقام مخلصین: علامه طباطبایی بلندترین و نهایی ترین مقام عبودیت را با عنوان مقام مخلصین یاد کرده و بیان می دارد مقام عبد مخلص به مقام سالکی اشاره می کند که خداوند او را برای خود خالص کرده و غیر از خدا کسی در او نصیبی ندارد؛ نه در او و نه در عمل او (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۸۳). از دیدگاه علامه این مرحله، آخرین مرحله سلوکی و تکاملی عابد است و سالک پس از آن به مقام ربوبیت نائل می شود.

مقام رضا: برخی از اندیشمندان مسلمان از نهایت مراتب عبودیت و مرحله آخر آن با عنوان مقام رضا یاد کرده و بیان کرده اند که با تحقق این مقام، صاحب آن خود را از قیود اضافات رها کرده و با رفع شدن اضافات، از رفاه، نامالیمات، لذت، سختی و تنگ دستی به تشویش نمی افتد (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱ / ۲۱۱). سالک واصل به مقام رضا با کسب آرامش قلب، تمام امور خود را تسلیم خدا کرده و با سرور و رضایت تمام به استقبال تقدیر الهی می رود.

افزون بر عناوین و اسامی یادشده، اندیشمندان مسلمان در آثار متعدد خود برای اشاره به آخرین و نهایی ترین مرحله عبودیت از عناوین دیگری نیز استفاده کرده اند که برخی از آن ها عبارت اند از: مقام توکل (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۸ / ۴۲)، مقام سجده (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۹ / ۲۷۴)، مقام لقا (همو، ۱۲۸ / ۱۲)، مقام تقوا (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۹۹)، مقام نهایت حب و نهایت ذل (قاسمی، ۱۴۱۸: ۶ / ۲۳۱) و مقام تخلّق به اخلاق الهی (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۵ / ۱۱۸). با بررسی اسامی متعدد اشاره کننده به نهایی ترین مرحله کمال عبودیت معلوم می شود که تکثر و تعدد این اسامی و عبارات نه تنها بیانگر تعارض و تشنّت در دیدگاه ها نیست، بلکه حقیقت این است که همه این عناوین به نوبه خود صحیح بوده و به درستی اشاره به این مقام دارند؛ چراکه مقام نهایی عبودیت؛ یعنی «مقام انسان کامل» مقام جامعی است که واجد تمامی کمالات انسانی بوده و ابعاد مختلفی را شامل می شود که هر یک از این عناوین و عبارات بیان شده به بعدی از ابعاد متعدد

کمالی این مقام جامع الاطراف اشاره می‌کند. بنابراین وسعت، پیچیدگی و عظمت مقام انسان کامل و دشواری اشاره جامع و کامل به این مقام موجب شده است که هر یک از اندیشمندان، به اندازه گستردگی ادراک و استعداد خود، به بُعدی از ابعاد وجودی این موجود بی‌نهایت اشاره کرده و به تبیین بخشی از کمالات او بپردازد. بدین سان می‌توان گفت: چنانچه تمامی این عناوین و اسامی به صورت طولی در نظر گرفته شوند، صحیح خواهند بود؛ چراکه به مقام جامع الاطراف اشاره می‌کنند که دارای گستره بسیار وسیعی بوده و مجمع تمامی کمالات عالی انسانی است. قرآن کریم در سوره فرقان (آیات ۶۳ تا ۷۴) به دوازده صفت از این صفات اشاره کرده که عبد واصل به مقام منیع عبودیت، دارای همه این صفات کمالی متعدد می‌شود (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۹ / ۲۱۴-۲۱۹). از این رو تعدد عبارات و عناوین اشاره‌کننده به مقام نهایی عبودیت انسان، نه تنها بیانگر تفاوت مقامی نبوده، بلکه هر کدام از آن‌ها به بعدی از ابعاد کمالی انسان کامل پرداخته و قابل جمع با دیگری است.

۴. دشواری عمل به عهد فطری الهی

عمل به پیمان فطری الهی در عین ضرورت و اهمیت، امری بسیار دشوار و پیچیده است؛ چنان‌که عبور از عقبات سخت آن به رعایت دستورالعمل‌های ویژه‌ای نیاز دارد. «عبودیت» و «ربوبیت» از جمله پیمان‌های الهی با بندگان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده / ۱) که وفا به آن‌ها خواست الهی است و به عنوان پیمان فطری از آن‌ها یاد می‌شود (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۹۷). عمل به این عهد و پیمان، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های فراوانی به همراه دارد؛ چنان‌که پیمودن این طریق کمالی در جوامعی که افراد فاسد و جاهل فراوان دارد، پراز موانع است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۱ / ۳۰۴). برای عبور از این عقبات سخت باید یعقوب‌وار غم‌های سخت و دل‌واپسی‌های شدیدی را تحمل کرد تا شایستگی رسیدن به درجه عالی عبودیت فراهم شود و این بدون تحمل آزمایش‌های سخت ممکن نیست (نوی جاوی، ۱۴۱۷: ۱ / ۵۲۶). بنابراین لازم است سالک برای

توفیق در این سیر کمالی از قواعد و قوانین دقیق و راهنمایی‌های قابل اطمینانی پیروی کند تا بتواند از موانع یادشده به سلامت و موفقیت عبور کرده و پس از رسیدن به کمال عبودیت، شایستگی وصول به مقام ربوبیت را کسب کند.

۵. شرایط لازم و مکمل برای وصول به مقام عالی عبودیت

چنان‌که آمد، سالک برای توفیق در سیر کمالی باید از قواعد و قوانین دقیق و راهنمایی‌های قابل اطمینانی پیروی کند؛ از این رو قواعد و دستورالعمل‌های منسجمی در این باره در نظر گرفته شده که برخی از آن‌ها شرایط لازم و ضروری است؛ به گونه‌ای که بدون آن‌ها رسیدن به کمالات واقعی و مقام والای عبودیت، به هیچ وجه ممکن نیست. برخی دیگر نیز به عنوان شرایط کافی مطرح شده‌اند که با عمل به هر دو قسم از این شرایط، امکان لازم و کافی برای عمل به پیمان عبودیتی و ربوبیتی و تحقق کمال نهایی بشری فراهم می‌شود. در ادامه به صورت مختصر به این شرایط اشاره می‌شود:

۱-۵. شرایط لازم برای وصول به مقام عالی «عبودیت»

۱-۱-۵. پذیرش خدا به عنوان متولی حقیقی هدایت به کمال نهایی

سلوک موفقِ مراحل عبودیتی و عقبات دشوار آن به راهنمایی‌های معصومانه‌ای نیاز دارد تا به وسیله آن سالک موفق به ادای پیمان الهی خود شده و با وصول به کمال نهایی به هدف واقعی خلقت خود نائل شود. قرآن کریم خداوند را متولی حقیقی برای راهنمایی معصومانه و سرنوشت‌ساز بشر به هدف کمالی دانسته: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» (جن / ۲) که به علت رحمت خود بندگان را بدون راهنمایی رها نکرده و با ارسال برنامه‌های بندگی و اعمال خاص و کارکردهای لازم آن، مراحل کامل عبودیت را تعلیم داده است؛ چراکه بدون این هدایت و راهنمایی، بشر آن‌گونه که باید توانایی لازم برای طی این مراحل را ندارد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۲ / ۱۰۷). بنابراین گشودن باب عبودیت به عالم از ویژگی‌های قدرت حق سبحان است؛ زیرا قلب بنده دو در دارد: دری به سوی روح و جسم که همیشه

باز است و دری به سوی روح و حضور که بسته است و تنها بازکننده آن خداست که کلید را در دست دارد؛ چنان که به حبیب خود سلام الله علیه در نخستین آیه سوره فتح فرموده است: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ (حقی بروسوی، بی تا: ۶ / ۴۱۶). بدین سان خدا مؤمن نیکوکار را با جذبه های عنایت از اوصاف بشری به مقام عبودیت می رساند (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۷۹) و اوست که آداب خدمت و رفتار غلامی را آموزش می دهد و ما آن را رعایت می کنیم (سلمی، ۱۳۶۹: ۲۰۹) و از این روست که در معنویت قدسی، خداوند به عنوان منشأ و مبدأ معنویت معرفی شده است که به واسطه تعالیم او استعداد های عقلانی، اخلاقی، دینی، هنری و ذوقی انسان رشد پیدا کرده و انسان شایستگی لازم برای وصول به مقاصد والای انسانی و کمال نهایی را کسب می کند (نوبری، ۱۳۹۶: ۷۱).

۱-۲. عمل به قرآن؛ بیان کننده اسرار عروج به قلّه عبودیت

معنویت قدسی و سیر مراحل آن مگر از طریق عبودیت و انجام دستورهای دینی میسر نیست؛ چراکه راه حصول معنویت دینی از انجام دستورهای دین جدا نیست (مطهری، ۱۳۸۹: ۴ / ۴۴۴). کتاب آسمانی قرآن بیان کننده دستورات دینی و فرمان های الهی یاد شده است؛ دستورات و فرمان هایی که عامل دستیابی انسان به سعادت کامل است. قرآن، راهنمایی کامل برای رساندن جن و انس^۱ به هدف اساسی خلقتشان را بیان فرموده و مدعی است که ما دانش عروج از قعر انسانیت به قلّه عبودیت و بندگی را به فضل الهی به انسان می دهیم: ﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ﴾ (یوسف / ۷۶). بنابراین اسرار، حدود و شئون عبودیت در کتاب الهی به صورت کامل و صریح ترسیم شده (ملکی میانجی، ۱۴۰۰: ۸۰) و انسان دعوت شده است که با عمل به تعالیم و فرمان ها به قلّه بندگی خدا عروج کرده و برای رسیدن به آن مرتبه تلاش جدی انجام دهد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۱۵). قرآن کریم

۱. از نگاه معنویت قدسی، انسان و جن تنها موجوداتی هستند که توان پذیرش برنامه های متعالی را دارند که از آن با عنوان امانت یاد می شود (نوبری، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

به عنوان تنها نسخه منسجم ارائه کننده آداب تعالی و تکامل معنوی، آیات را اعم از شواهد عقلی و نقلی از قبیل استدلال‌های روشن و دلایل خیره کننده برای تعالی انسان در کمالات عبودی بیان کرده تا انسان‌ها تعقل کنند و به عبودیت کامل برسند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۶/ ۲۲۱). بنابراین عمل به تعالیم و راهنمایی کتاب الهی تنها راه رسیدن به بالاترین کمال عبودیتی است؛ چراکه توجه به آیات الهی و تفکر در آن‌ها انسان را به حقایق مقامات معنوی و معارف صفات الهی آشنا کرده و روحانیت و نورانیت و قرب و عبودیت را تقویت می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۶۶) و برای سالک این امکان را فراهم می‌سازد که زندگی دنیا را زمینه‌ای برای حیاتی والاتر قرار داده و آن را پلی قرار دهد برای صعود به قله‌های عبودیت و تقوا (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۸/ ۱۵۸).

۱-۳. پیروی از رسول مصطفی ﷺ و اولیای الهی به عنوان متولیان قیام به عبودیت

برای عروج به مدارج عالی عبودیت افزون بر ضرورت توجه به خدا به عنوان متولی حقیقی هدایت عالمیان به کمال واقعی و عمل به قرآن؛ یعنی بیان کننده اسرار عروج به قله عبودیت، لازم است که سالک، ولایت رسول مصطفی ﷺ را نیز به صورت تمام و کمال پذیرفته و از ولایت اولیای الهی که خداوند متولی هدایت آن‌ها شده نیز پیروی کند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲/ ۴۵۱)؛ چراکه روح مذهب تشیع بر این است که طی طریق عبودیت به صورت کامل و تمام جز با عنایت معنوی و قافله سالاری انسان کامل که ولی و حجت خداست، میسر نمی‌شود (مطهری، ۱۳۸۹: ۳/ ۳۰۷) و سالک با بهره‌مندی از برکات این متابعت، خود نیز متولی قیام به حق عبودیت و دعوت مردم به سوی آن باشد. بنابراین به طور قطع می‌توان گفت که پیروی صادقانه از رسولان و کتاب‌های نازل شده به آن‌ها موجب تحول شده و به سعادت می‌انجامد که در نتیجه این تحول، مرحله بندگی کامل که کمال نهایی است حاصل می‌شود (مصطفوی ۱۳۶۰: ۶/ ۱۸۸).

با دقت در شرایط سه‌گانه لازم یادشده برای عروج به مدارج عبودیتی معلوم می‌شود که گام نهادن در این وادی کمالی و حرکت در مسیر وصول به مقام ربوبیت، جز با سیر

خالصانه مراحل اساسی اشاره شده ممکن نیست. این سلوک از ایمان به خدا آغاز شده و با شناخت اسمای حسنی و صفات علیای او تداوم می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۷۴)؛ چراکه تعالی عبودی بدون این شناخت امکان‌پذیر نیست و راز و هدف و حکمت عبودیت، مگر برای کسانی که صفات پروردگار متعال را بشناسند، حل نخواهد شد (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰: ۹۲). با ایمان به قرآن کریم و ایمان به آورنده کتاب آسمانی و پیروی کردن از اولیای الهی این سیر معنوی و تکاملی تداوم یافته و با متابعت از ولی و حجت نهایی الهی و همراهی این ایمان با عمل خالصانه، امکان نائل شدن به مقام والای عبودیت فراهم شده و به اندازه تقرب بنده با اقسام عبودیت به رب، او نیز به لطف ربوبیت خود به بنده نزدیک می‌شود (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵ / ۳۷۴).

۵-۲. شرایط مکمل برای وصول به مقام عالی عبودیت

افزون بر شرایط لازم و ضروری برای رسیدن به سعادت نهایی و مقام عالی عبودیت، اندیشمندان مسلمان به شرایط دیگری نیز اشاره کرده‌اند که با عنوان شرایط کافی مطرح شده است و با جمع هر دو قسم شرایط و عمل به همه آن‌ها و رعایت تمامی دستورالعمل‌های ارائه شده، زمینه لازم و کافی برای تکامل در مراحل و مراتب متعالی عبودیتی مهیا شده و امکان وصول به مقامات عالی ربوبیتی فراهم می‌شود. بخشی از شرایط مکمل به شرح ذیل است:

۵-۲-۱. خروج از انانیت و ترک عبودیت غیرالهی

از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، ترک انانیت و خودخواهی اولین گام بندگی است که از لوازم اظهار عبودیت به شمار می‌آید. این موفقیت با نابود کردن نفس و کشتن آن با ترک هوی و هوس و بریدن آن از لذایذ حاصل می‌شود^۱ (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۶۲). به وسیله این

۱. «موتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»؛ با اراده خود بمیرید پیش از آنکه به موت طبیعی بمیرید؛ منسوب به پیامبر ﷺ (مجلسی، ۱۴۴۰: ۷۲ / ۵۹).

گام، اساسی انسان از انانیت خویش خارج شده و به وادی عبودیت داخل می‌شود: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» (فجر/ ۲۹؛ گنابادی، ۱۳۷۲: ۴/ ۲۵۴). بنابراین ترک انانیت و خودخواهی زمینه ترک عبودیت غیرالهی را برای انسان فراهم کرده و به علت این انقطاع، او تنها به حق تعالی متمسک شده و تسلیم خدا می‌شود. رهایی انسان از هرگونه عبودیت غیرالهی، این باور و ایمان را در انسان زنده می‌کند که مال، مقام و همه دارایی او تنها یک منشأ دارد و آن خداست. بدون چنین ایمانی و التزام به آن، رسیدن به حیات طیبه^۱ و عبودیت واقعی محال است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/ ۴۶۵). براین اساس از بین بردن حجاب نفسانی خودخواهی، دروازه ورود به عالم عبودیت است که ترک عبودیت غیر خدا را در پی داشته و زمینه را برای گام بعدی؛ یعنی ردّ اراده غیرالهی و ایمان به مبدئیت انحصاری خدا فراهم می‌کند؛ مبدئیتی که بدون پیمودن آن، ورود به وادی عبودیت ممکن نخواهد شد.

۲-۲-۵. ردّ اراده غیرالهی و باور به مبدئیت حق تعالی

گام بعدی سیر در وادی کمال عبودی که از شرایط مکمل آن به شمار می‌آید، عبارت است از: ایمان به جاری و ساری بودن انحصاری اراده الهی در عالم و ردّ هرگونه اراده مستقل از آن. انسان به سبب این باور، پروردگارش را وکیل و ولی خود قرار می‌دهد و اراده‌ای جز اراده ولی خود قبول نمی‌کند، عملی جز آنچه از او خواسته شده به جا نمی‌آورد و خود و افعال و حرکات خود را ملک طلق آفریدگار می‌داند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۱۰/۱۶). باور صادقانه به جاری بودن اراده واحد موجب می‌شود که فرد خود را مثل مرده در دست غشال و تحت فرمان او قرار دهد و با ردّ هرگونه اراده شخصی، بداند که قادر به نفع و ضرر خود نبوده (حقی بروسوی، بی تا: ۳۴/ ۵) و برای اصلاح نسبت عبودیت اراده و

۱. رشد و تعالی در معنویت قدسی به زندگی منحصر به فردی در دنیا می‌انجامد به نام «حیات طیبه» که فرد به سبب آن به قدرت، علم و حرکت خاصی دسترسی پیدا می‌کند (نوبری، ۱۳۹۶: ۲۶۳).

اختیار ندارد و اراده او در اراده پروردگارش غرق است (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳/ ۴۲) و بالاتراز آن اینکه وجود و بقا و ادراکات و اراده‌ها و اعضا... و به طور کلی همه چیز را از او و در او و تحت تملک و اراده او دیده و برای خود تصرفی نمی‌بیند (بروجردی، ۱۴۱۶: ۳/ ۴۹۱).

۲-۳. ترک غرور و تکبر و تخلّق به فضیلت خضوع

غرور و تکبر از جمله رذایل اخلاقی‌ای است که مانع شکوفایی فضیلت خضوع و تسلیم شده و انسان را از سیر در کمالات عبودی باز می‌دارد؛ چراکه انتهای تعالی بشر که رسیدن به مقام قرب الهی است، تنها از راه عبودیت و تسلیم به دست می‌آید (مطهری، ۱۳۸۹: ۳/ ۲۸۵). سرّ تحلیّی به فضیلت خضوع و اجتناب از رذیلت کبر و غرور در این امر نهفته است که باور یقینی انسان به عدم وجود اراده‌ای مستقل از اراده الهی در عالم، موجب تحلیّی انسان به فضیلت خضوع و تسلیم در برابر اراده الهی شده و غرور را از انسان دور می‌کند؛ چراکه رذیله غرور و تکبر را به عنوان بزرگ‌ترین حجاب نفسانی و اساسی‌ترین مانع برای تکامل عبودیتی خود می‌بیند و ترک آن را بزرگ‌ترین مأموریت و مسئولیت انسانی خود به شمار می‌آورد. با ترک تکبر و غرور و رفع مهم‌ترین مانع تکامل عبودی انسان، زمینه شکوفایی فضیلت خضوع و تسلیم در برابر خدا فراهم می‌گردد که به عنوان راز عبودیت شناخته می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۲/ ۲۳۲). قرآن کریم سجده در پیشگاه الهی را مهم‌ترین عامل از بین‌برنده رذیله تکبر و غرور دانسته که به حصول فضیلت خضوع می‌انجامد؛ چنان‌که در آیه ۱۹ سوره علق در امر به عمل عبادی سجده می‌فرماید: ﴿وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾؛ چراکه با سجده حقیقی حالت استکبار و حجاب‌های نفسانی از بین می‌رود (مصطفوی ۱۳۶۰: ۵/ ۵۳). در پی توفیق در ترک موانع نفسانی و با افزایش آگاهی و معرفت به مقام عظمت، جلال، کبریایی و جمال خداوند، صفات خضوع و خشوع و تذلل و عبودیت در انسان افزون‌تر می‌شود (همو، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۳۰).

بنابراین رسیدن به مقام تذلل و خضوع تام و تسلیم در برابر خدا حاصل نمی‌شود، مگر با جدا شدن از دو تعلق و وابستگی که عبارت‌اند از: دل‌بستگی ظاهری به وسوسه‌های

مادّی دنیا و دل بستگی روانیِ درونی به حجاب‌های تیره و خصلت‌های حیوانی ناخوشایند که در رأس آن خودخواهی است و حاصل این انخلاع رسیدن به مقام قرب و عبودیت است (همو ۱۳۶۰: ۱۲ / ۱۷۶).

۵-۲-۴. حفظ حدود الهی و پایبندی به طاعات و عبادات

از جمله شرایط لازم برای وصول به مقام متعالی عبودیت و درجات آن، رعایت اوامرو نواهی الهی است که از آن‌ها با عنوان حدود الهی یاد شده و مهم‌ترین نمود آن تن در دادن به طاعات و عبادات الهی است. این امر موجب قرار گرفتن انسان در مقام عبودیت می‌شود؛ چراکه فیض و رشد و تعالی فقط از طریق آن ممکن شده و خداوند آن را مایه رحمت بندگان خود قرار داده است (حقی بروسوی، بی تا: ۷ / ۱۲۹). انسان از طریق این لطف الهی به مقامی می‌رسد که مجمع کمالات انسانی شده و به واسطه آن به درجه دوستی حقیقی خدا می‌رسد و از این طریق به آفریدگار خود نزدیک شده و به ساحت قدس او می‌رسد. در اثر این کمالات، نفس بشر از رذیلت‌ها رها شده و به فضائل آراسته می‌شود و برای تجلّی انوار غیب بردل‌ها به اخلاق الهی متخلّق می‌شود و در نتیجه به سعادت می‌رسد که مافوق هر امری است و به دو مرتبه فنا در خداوند متعال و بقا در او نائل می‌شود (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۰۸).

بنابراین کسانی که اوامرو نواهی الهی را در اعضا و اسرار و جان خود رعایت کرده و حدود معلوم الهی را حفظ می‌کنند و آن را درباره خود و دیگران به کار می‌برند و گوش و چشم و زبان و دل خود را به آنچه او امر کرده مشغول می‌سازند، کسانی هستند که بعد از آشکار شدن صفات خدایی، در مقام عبودیت قرار گرفته و از آن تجاوز نمی‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶ / ۵۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۶۸).

۵-۲-۵. رعایت تقوا و اخلاص در عبادت و اطاعت

رابطه خدا با انسان به رابطه معبودیت می‌انجامد و رابطه انسان با خدا نیز با عبودیت برقرار می‌شود که لازمه رسیدن به این مقام؛ رعایت صدق و اخلاص در عبادت و اطاعت

است؛ چراکه استمرار معنویت تنها با مقام صدق و اخلاص امکان پذیر بوده و به معنویت قدسی می‌انجامد (نوبری، ۱۳۹۶: ۱۹۳). براین اساس پایبندی به حدود الهی و تن‌دردان به طاعات و عبادات الهی زمانی ثمربخش خواهد بود که با تقوا و اخلاص عجین شود. در واقع از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، تقوا و خویشتن‌داری از جمله عوامل قوام عبودیت است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۸۶). اگر سالک پس از ایمان و به‌جا آوردن آداب آن، با تقوا و خویشتن‌داری از تمایلات و مخالفت‌ها بپرهیزد، به بزرگ‌ترین پاداش؛ یعنی مقام عبودیت و توحید دست خواهد یافت (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱ / ۱۳۶)؛ چراکه تقوا حالتی روحی است که انسان از طریق آن راز عبودیت خدا را در دل و جان خود احساس می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۶ / ۷۰) و به سبب آن در خط عبودیت سیر کرده و در زندگی خود، حضور دائمی خدا را در فکر، حرکت و احساس ادراک می‌کند (همو، ۱۸۶ / ۶).

بنابراین اگر در مواجهه سالک با خدا طاعات و عبادت با اخلاص^۱ عجین شود، مقام عبودیت در وجود انسان تحقق خواهد یافت؛ چراکه اطاعت خالصانه از خدا و انجام عبادت صرفاً برای او، بنده را از هرگونه اضافات و تعلقات جسمانی پاک و عبودیت در او را محقق کرده و زمینه بهره‌مندی از ثمره ربوبیت را فراهم می‌کند (بروجردی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۸۸). پایین‌ترین درجه اخلاص این است که عبودیت به طور خالص برای خدا بوده و برای غیر اشتراکی در آن نباشد. درجه متوسط عبودیت این است که عبد در بذل وجود خود به خدا مخلص باشد و عالی‌ترین درجه اخلاص نیز این است که خدا با فنا کردن بندگان، آن‌ها را از بند وجودشان نجات داده و به وجود خود باقی نگه می‌دارد (حقی بروسوی، بی‌تا: ۵ / ۳۴۰). مرحله کمال اخلاص و عبودیت با حسن خلق و حفظ حقوق الهی و وفا به مقتضیات عهد الهی تجلی می‌یابد (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۲ / ۳۴۰) که ثمره آن

۱. اخلاص در عبودیت عبارت است از تجرید درون از هر چیزی غیر از او و بعضی گفته‌اند: اخلاص این است که غیر از خدا کسی به عمل تو آگاه نشود و تو را در آن حال نبیند (حقی بروسوی، بی‌تا: ۱۰ /

تحقق نورانیت در قلب و حصول حقیقتِ عبودیت است.

۵-۲-۶. توکل بر خدا

از دیدگاه مفسران، توکل بر خدا آخرین نقطهٔ سیر تکاملی سالک است که به یاری آن انسان اظهار عبودیت کرده و با سپردن همهٔ امور خود به خدا تمام زندگی و جهت‌گیری‌هایش مطابق با تقدیر الهی می‌شود (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶/۷). جایگاه توکل در موفقیت عبد در تعالی عبودیتی به حدی است که برخی از مفسران تمام سیر انسان در طریق عبودیت پروردگار را در دو جملهٔ «فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ»^۱ خلاصه کرده‌اند (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۸/۴۲)؛ چراکه خروج از وطن بشری و طبیعت انسانی به فضای بندگی با پای توکل بر خدا و تفویض امور به او ممکن بوده (حقی بروسوی، بی‌تا: ۵/۱۵۲) و این ملاک و معیار صدق عبودیت به شمار می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۴۹۶).

در کنار شرایط لازم برای تعالی و تکامل در عبودیت، مفسران به شرایط دیگری نیز با عنوان شرایط مکمل اشاره کرده‌اند که با عمل به هر دو قسم شرایط، زمینهٔ لازم و کافی برای عروج بشری فراهم می‌شود. بخشی از شرایط کافی و مکمل به صورت مشروح بیان شد و به بخشی دیگر برای رعایت اختصار فقط اشاره می‌شود: نیت الهی داشتن (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۲/۱۷۹)، روی آوردن کامل به خدا (حقی بروسوی، بی‌تا: ۲/۲۰۷)، جلب محبت الهی (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/۵۲)، ادای حقوق الهی (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۲/۵۳۲)، جستن وسیله برای تقرب (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۱/۲۱۵) و ثبات قدم در راه عبودیت (حقی بروسوی، بی‌تا: ۳/۲۲۷).

۶. باطن «عبودیت»، رسیدن به «ربوبیت» است

عزم برای سلوک عبودیتی و تلاش مستمر در عمل به شرایط لازم و رعایت کافی و مکمل، زمینه را برای تعالی سالک فراهم آورده و موجب می‌شود که او درجات کمالی را

۱. «وَالِيهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ» (هود/۱۲۳).

گام به گام طی کرده و به عالی‌ترین مقامات عبودیتی نائل شود که از آن با عناوین «عبودیت مطلقه» و «نفس مطمئنه» یاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۴۷۸). ظهور «عبودیت تامه» در نفس سالک موجب جلب محبت الهی شده و بر اثر آن سالک به بالاترین مرتبه کمالات و مقامات می‌رسد (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱ / ۵۲) که ظاهر آن عبودیت و کنه، نهایت و باطن آن ربوبیت است؛^۱ چراکه از هر عبودیت و عبادتی قربی پیدا می‌شود و از هر قربی قوت و قدرتی که همان رسیدن به ربوبیت است و اساس تعالیم پیامبران است (مطهری، ۱۳۸۹: ۱ / ۳۱۴) امام صادق علیه السلام در تبیین این مرحله از کمال می‌فرماید: «عبودیت گوهری است که ظاهر آن عبودیت است و کنه و نهایت و باطنش آخرین منزل و هدف و مقصدش ربوبیت است»^۲ (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ۷) که از آن با عناوین «ولایت تکوینی» و «خداوندگاری» نیز یاد می‌شود. وصول سالک به مقام متعالی ربوبیت، به متصف شدن او به صفات الهی می‌انجامد و با تداوم این سیر معنوی، قدرت تصرف در عالم تکوین برای سالک فراهم می‌شود که از آن با عنوان «ولایت تکوینی» یاد می‌شود. این نوع ولایت موجب تقرب سالک به خدا شده و اراده او را به اراده الهی بدل می‌سازد که در نتیجه این امر معنویت انسانی در سالک تمرکز یافته (مطهری، ۱۳۸۹: ۳ / ۲۸۵-۲۹۹) و هدف نهایی معنویت قدسی تحقق می‌یابد. با توجه با تأثیر «عبودیت» در ایصال سالک به مقام «ربوبیت» معلوم می‌شود که این دو مرحله کمالی به هم مرتبط بوده و رابطه طولی میان آن دو برقرار است و این رابطه به گونه‌ای است که تصور عبودیت بدون ربوبیت، نقصان و زوال بوده و تصور ربوبیت بدون عبودیت نیز محال است

۱. مقصود واقعی از اینکه «کنه عبودیت، ربوبیت است»، این است که نهایت عبودیت خداوندگاری است و نه خدایی (مطهری، ۱۳۸۹: ۶ / ۱۸۶)

۲. لازم به ذکر است که هرچند تشکیکاتی درباره انتساب کتاب *مصباح الشریعه* به امام صادق علیه السلام مطرح شده، از آنجا که محتوای این کتاب با تعالیم دیگر منابع دینی موافقت دارد و همچنین مورد استناد، تأیید و سفارش بسیاری از علمای بزرگ همچون: ابن طاووس، شهید ثانی، جمال‌الدین احمد بن فهد حلی و فیض کاشانی قرار گرفته است، از دیدگاه بسیاری کتابی معتبر و قابل اعتماد است.

(صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۴/ ۳۸۷).

ربوبیت مقامی ذومراتب است؛ چنان‌که شهید مطهری با اشاره به پنج مرتبه، اولین درجه و پایین‌ترین درجه آن را توانمندی انسان در تسلط بر نفس دانسته و آن را «ولایت انسان بر نفس اماره» نامیده است. دومین مرحله، تسلط و ربوبیت انسان بر نیروی متخیله و خاطرات ضمیر خود است که در نتیجه آن انسان فقط متوجه خدا می‌شود. در مرحله سوم، روح با تکامل در امر ربوبیت و ولایت، توانایی و قدرت «خلع بدن» به دست آورده و در برخی از فعالیت‌ها از به‌کارگیری بدن بی‌نیاز می‌شود. در مرحله چهارم، نفس قدرت تصرف بر بدن را پیدا کرده و آن را در اختیار خود می‌گیرد و بدین سان قادر به اعمال خارق‌العاده‌ای چون اعجاز و کرامت می‌شود. آخرین مرحله ربوبیت قادر شدن انسان بر تصرف در دنیای بیرون است که «ولایت تصرف» نامیده می‌شود و به سبب آن طبیعت خارجی تحت نفوذ اراده انسان قرار می‌گیرد. معجزات و کرامات انبیا و اولیای حق از این مقوله به شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۸۹: ۳/ ۲۹۹-۳۰۵، ۲۳/ ۴۷۱-۴۷۳).

نتیجه‌گیری

از دیدگاه قرآن کریم، باطل نبودن خلقت و هدفمندی آن برای صاحبان خرد امری روشن و بدیهی است.

آیه ۵۶ سوره ذاریات تنها آیه‌ای است که هدف اساسی و نهایی خلقت ثقلین را منحصرأً «لیعبدون» معرفی کرده است.

از معنای بیان شده برای فعل «یعبدون» از جمله «عبادت» و «عبودیت» است که این دو واژه به‌رغم اشتراک در معنای لغوی، از لحاظ معنای حقیقی با هم متفاوت‌اند؛ چراکه صاحب عبادت به معنای «عابد مطیع» و صاحب عبودیت به معنای «عبد فرمان‌بر» است.

رساترین عبارت برای معرفی هدف خلقت انس و جن، «عبودیت» است که در قرآن با عناوین «عهد الهی» و «صراط مستقیم» از آن یاد شده است. عبودیت امری مطابق با

فطرت انسانی بوده و لازمهٔ عقلی همهٔ فرقه‌های صاحب شعور است و معنویت قدسی حیات بشری را موجب می‌شود.

استقامت در سلوک طریق عبودیت به کسب عزت الهی انجامیده و انسان را مصداق آیهٔ ﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾ (طه / ۴۱) می‌گرداند که به سبب آن سالک به قلب هستی تبدیل می‌شود.

عبودیت، مقامات و درجات کمالی متعددی دارد که موفقیت در سلوک این مراحل و درجات، ارزش عبودیتی سالک را بالا برده و در نهایت او را به مرحله‌ای از تکامل می‌رساند که از آن با عناوین «عبودیت مطلقه» و «نفس مطمئنه» یاد شده است.

از مرحلهٔ نهایی عبودیت با عبارات و نام‌های متعددی یاد شده که این تعدد نه تنها نشان‌دهندهٔ تعارض و اختلاف نیست، بلکه به عنوان مکمل در نظر گرفته می‌شود؛ چراکه هر عبارت و نامی به بُعدی از ابعاد جامع و کامل مقام نهایی عبودیت می‌پردازد که از آن با عنوان «مقام انسان کامل» یاد می‌شود.

نفس نائل آمده به مقام نهایی «عبودیت» مورد محبت الهی قرار گرفته و به مقام عالی «ربوبیت» ارتقا پیدا می‌کند. برای حصول این توفیق به رعایت شرایطی در سلوک صحیح، مراحل و مدارج کمالی نیاز است که برخی از آن‌ها به عنوان شرایط لازم و برخی دیگر شرایط مکمل به شمار می‌آید. عمل به هر دو قسم از شرایط، زمینهٔ لازم و کافی برای سیراز عبودیت به ربوبیت را فراهم می‌سازد.

شرایط لازم و ضروری برای سلوک از عبودیت به مقام ربوبیت عبارت‌اند از: ایمان به خدا، شناخت اسمای حسنی و صفات علیای خداوند، ایمان به کتاب الهی، پیروی از رسول خدا ﷺ و اولیای الهی، به‌ویژه ولی و حجت‌نهایی او.

شرایط مکمل برای نتیجه‌بخش بودن شرایط لازم سلوک عبارت‌اند از: خروج از انانیت خویش، رهایی از عبودیت غیرالهی، ترک غرور و تکبر و خضوع و تسلیم در مقابل خداوند. رعایت شرایط لازم و شرایط مکمل سلوک، سالک را از «مقام کمالی عبودیت» به «مقام عالی ربوبیت» ارتقا می‌دهد که با عناوین «ولایت تکوینی» و «خداوندگاری» از آن یاد

می‌شود. وصول سالک به مقام عالی ربوبیت موجب اتصاف به صفات الهی شده و با تداوم سیر تکاملی، قدرت تصرف در عالم تکوین برای سالک فراهم می‌شود. مقام «ربوبیت» درجات و مراحل متعددی دارد که از تسلط انسان بر نفس خود شروع شده و به توانایی او بر تصرف در دنیای بیرن ختم می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۳. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن، مکتبة النهضة العربية، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، تفسیر القرآن الکریم (ابن قیم)، دار و مکتبة الهلال، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۶. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۷. بروجردی، سید حسین، تفسیر الصراط المستقیم، مؤسسه انصاریان، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۸. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۹. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۸۹ق.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۱. حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۲. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، بی جا، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.

۱۶. سلمی، محمد بن حسین، *حقائق التفسیر*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۷. سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت. قاهره، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۱۹. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن الکریم*، انتشارات بیدار، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. عسکری، سید مرتضی، *عقاید اسلام در قرآن کریم*، انتشارات علامه عسکری، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. فنایی، ابوالقاسم، *سلسله درس گفتارهای معنویت قدسی ۲*، اینترنت، کتابخانه مجازی الفبا، ۱۳۸۸ ش.
۲۶. قاسمی، محمد جمال الدین، *محاسن التأویل*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۰. قونوی، صدرالدین محمد، *إعجاز البیان فی تفسیر آتم القرآن*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش.
۳۱. کاشفی سبزواری، حسین، *جواهر التفسیر*، دفتر نشر میراث مکتوب، تهران، بی تا.
۳۲. گنابادی، سلطان محمد، *بیان السعاده فی مقامات العباده*، ترجمه محمد آقارضاخانی و حشمت الله ریاضی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۴۰ ق.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، دار محبی الحسین، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.

۳۶. مصطفوی، حسن، *تفسیر روشن*، مرکز نشر کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳۷. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۳۸. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۱. ملکی میانجی، محمد باقر، *بدائع الکلام فی تفسیر آیات الأحکام*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۴۲. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۴۳. نجفی خمینی، محمد جواد، *تفسیر آسان*، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۴۴. نخجوانی، نعمت الله بن محمود، *الفواتح الإلهیه و المفاتح الغیبیه*، دار کبابی للنشر، قاهره، ۱۹۹۹ م.
۴۵. نوبری، علیرضا، «بررسی مفهوم معنوی با تأکید بر بازشناسی معنویت قدسی»، *دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات معنوی*، شماره ۲۵، ۱۳۹۷ ش.
۴۶. نوبری، علیرضا، *معنویت قدسی از نگاه قرآن*، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها)، قم، ۱۳۹۶ ش.
۴۷. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۴۸. نووی جاوی، محمد بن عمر، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.